



ارباب کلیسا دامنه قدرت و حکومت خداگونه‌ی خویش را در سطحی وسیع گسترانده بودند. روزگاری که انکار توده‌های مسیحی به شدت دچار انحطاط بود، و مجموعه‌ای از افسانه‌ها، پندارها و خیالات کودکان به عنوان مسایل مذهبی، معتقدات آنان را تشکیل می‌داد، پاپها و کشیشها موقعیت تزلزل ناپذیر و مقام مقدس! خود را تا اعماق اندیشه بیروان حضرت مسیح متنفذ ساختند. اما همینکه نور دانش از شرق اسلامی بر تاریکخانه دل و اندیشه‌شان تابید، و می‌رفت کم کم عفریت جهل، خرافه پرستی و ستمکشی که کلیسا به آنها تحمیلی کرده بود یکسره از زندگی و فرهنگشان معو گردد، سردمداران کلیسا سخت به خود لرزیده و در صدد مبارزه با حرکت‌های انقلابی برآمدند. پدران روحانی! برای کنترل انکار و جلوگیری از حرکت‌های آزادی‌بخش اندیشه‌ها، سازمانی جهت تفتیش عقاید و محاکمه متهمان به وجود آوردند که از نظر شکنجه و اعمال شدیدترین خشونت‌ها و انتخاب ظالمانه‌ترین روش‌ها در تاریخ بشریت کم نظیر بود

* * *

شکنجه‌های وحشتناک!

ماموران مرگ آفرین کلیسا، برای سانسور

کامل خیرخواه

ماموران
مرگ آفرین
کلیسا

به محکمه جنایتبارخویش جلب می کردند و -
انواع شکنجه‌ها را در موردشان معمول می -
داشتند. (۱)

مفتشان عقاید ، متهم را به زنجیر می -
کشیدند ، او را مجبور می کردند برای خودبستر
بیاورد و هزینه زندانش را شخصاً متعهد
گردد ! و چنانچه برای این منظور پول
کافی موجود نداشت ، اموالش را بنفع
محکمه تفتیش مصادره می نمودند .
«ویل دورانت» می نویسد: پس از آنکه
اعضای محکمه ، شواهد ومدارك موجود
را بر احتمال جرم ! (نه یقین) متهم کافی
می دیدند وی را مورد شکنجه قرار
می دادند !! گاه می شد که دست متهم را
به پشتش می بستند و سپس او را با آن
حال بدارمی آویختند .

ممکن بود او را ببندند ، چنانکه نتواند حرکت
کند و آنگاه آنقدر آب در گلویش می چکاندند
که بخفگی افتد . گاهی هم طنابی چندبراطراف
بازوان وی وساتهایش می بستند و چندان محکم
می کردند که در گوشتهای تنش فرو می رفت
و به استخوان می رسید . هم او می گوید :
متهمان را به میدان بزرگ شهر می بردند
و به ردیف ، بر بالای تلی از هیزم
می بستند و اعضای محکمه بر سکویی
که رو بروی محکومین بود ، با جلال
و جبروت می نشستند و در حالیکه هیزمها

عقاید و حکومت برانکار ، با کمترین تهمت ،
افراد را دستگیر و متهمان را حتی قبل از اثبات
جرم ، به انواع فشار و شکنجه‌های وحشتناک
گرفتار می کردند ، تا با ایجاد بیم ، هرگونه
خیال تخطی از فرمان پاپ و پندار سرپیچی را
از دستورهای کلیسا از مغزشان بیرون سازند !
دژخیمان کلیساجهت ارباب بیشتر بر فراز
منابر خود و در مجامع مهم ، نخست سخن از
ایمان می گفتند و سپس از مردم می خواستند
اگر بد عتکزاری سراغ دارند ، به محکمه تفتیش
عقاید معرفی کنند . آنان مردم را به خبرچینی ،
به متهم ساختن همسایگان ، دوستان و
خویشاوندان تشویق می کردند ! مرگ آفرینان
مسیحیت به گزارشگران خود قول رازبوشی
کامل میدادند ، اگر یکی از آنها ملحد و یا متهمی
را به سازمان تفتیش عقاید معرفی نمی کرد
بر لمن و تکفیر گرفتار می گشت ! .

رفتار مأموران کلیسا با یهودیان خیلی
سختتر بود ، اگر یک یهودی هنوز امید آمدن
مسیح در سر می پروراند ، اگر او در آئین موسوی
روز «سبت» را روز ستایش و استراحت می دانست ،
یا در آن روز جامه زیرین خویش را عوض می -
کرد ، اگر اعیاد یهودی را جشن می گرفت ،
اگر فرزنداناش را ختنه می کرد یا بدانها نامی
عربی می داد ، اینها و اعمال دیگری از این قبیل
را که مفتشان عقاید کلیسایی نشانه ارتداد
بنهانی و یهودی بودنشان می دانستند فوراً

۱- رجوع کنید به تاریخ تمدن ویل دورانت (اصلاح دین) بخش اول

می گشت . در عهد «سن لوئی» یکی از کسانی که در «شامپانی» مأمور تفتیش عقاید بود ، امر کرد یکباره ۱۸۳ نفر مرتد را زنده در آتش سوزانیدند. (۲)
چماق تکفیر !

سردمداران کلیسا هر چه بر مبارزات خود با نهضت فکری مردم اروپا می افزودند و در سرکوبی حرکت های انقلابی توده های روشن ، شدت عمل بیشتری از خود نشان می دادند ، تلاش برای درک حقایق اوج بیشتری پیدا می کرد . از سلاح هایی که همزمان با مبارزات سخت و خشن کلیسا مورد استفاده قرار گرفت ، چماق تکفیر بود .
 چندراز دانشمندان گرفتار تکفیر کلیسا شدند که یا از وحشت مرگ ، از ابراز نظریه های علمی خود مانند «کپلر» و «دکارت» چشم پوشیدند و یا اگر در اظهار نظرشان جرات و جسارتی بخرج می دادند سخت مجبور بودند توبه کنند !

از لکه های ننگ بر تارک تاریخ کلیسا محاکمه «گالیله» و توبه نامه اجباری است که رهبران روحانی مسیحی از او گرفته اند .

«گالیله» در یکی از مراسم مذهبی کلیسا شرکت کرد و مشاهده چهل چراغی که در بالای سرش نوسان داشت توجه او را جلب نمود .

را آتش می زدند منظره زنده سوختن آنها را تماشا می کردند (۱)

این اندازه جنایت هم بس نبود؟
 سالها کشورهای اروپائی در آتش شکنجه ها و فشارهای وارده از جانب کلیسا می سوخت و پدران روحانی ادرقبال اظهار نظرهای توده ها با خشونت غیر قابل وصفی با آنها رفتار می کردند . ولی مگر می توان اراده ملت ها را خرد کرد و جلوی اندیشه های شان را برای همیشه گرفت ؟ !

«آلبرماله» می نویسد: مدت هیجده سال ، جنوب فرانسه به آتش و خون کشیده شد . لکن باز بدعت از آنجا برنیفتاد .

چون پاپ «گرگو آر» نهم چنین دانست که اسقفها در قلع ماده فساد آنچنان که باید «غیرت» بخرج نمی دهند ، در سال ۱۲۳۱ میلادی مأمورین مخصوص فرستاد تا حقیقت حال کسانی را که مظنون به پیروی از بدعت می باشند ، کشف کند . مأمورین همه کس را به مجرد سوء ظن توقیف می کردند !
 محاکماتی که در ابتدا علنی بود مخفی شد ، و اگر متهم انکار می کرد باشکنجه از او اقرار می گرفتند ! هر گاه متهم به میل یا به زور به ارتداد خود اعتراف می نمود و توبه می کرد باز به عقوبت های محکوم می شد . اما اگر زیر بار توبه نمی رفت طعمه آتش

۱- تاریخ تمدن ویل دورانت اصلاح دین بخش اول ص ۳۶۱ - ۳۶۶

۲- تاریخ آلبرماله قرون وسطی قسمت دوم قطع جیبی ص ۳۲۲

« تاریخ علوم » می نویسد : نفوذ نظریه علمی گالیله و قدرت کلیسایی در مقابل هم صف کشیدند و مبارزه آغاز شد . محاکمه ای که پس از این مبارزه انجام یافت کاملاً منطقی و قابل پیش بینی بود .

گالیله که نمی توانست مخالفین خود را بوسیله تجربه و مشاهده محکوم کند و هیچگونه استدلال غیر مذهبی برای ایشان کافی نبود زیرا روحانیون (مسیحی) برای هر چیز غیر از کتاب مقدس ! و ارسطو ارزش قائل نبودند .

گالیله راه روم احضار کردند . در منزل یکی از اعضای عالی رتبه دیوان تفتیش عقاید جایش دادند . در همین اوقات ، دفتر پدر مقدس ! مشغول تهیه ادعا برضد او بود ! از روز ۲ ژوئن سال ۱۶۳۳ وادارش کردند که توبه نامه زیر را امضاء کند .

من گالیله در هفتادمین سال زندگانی ، در مقابل حضرات شما به زانو در آمده ام و در حالیکه کتاب مقدس را پیش چشم دارم و با دست های خود آن را لمس می کنم توبه می نمایم و ادعای خالی از حقیقت حرکت زمین را انکار می کنم و آنرا منفور و مطرود میدانم . توبه نامه خجالت آوری که به او تحمیل شد تنها قربانی بود که گالیله داد .



این يك موضوع بسیار ساده و عادی بود ولی متفکران بزرگ ، این اختصاص را دارند که هیچ مطلبی را بیهوده و نامربوط نمی انگارند و به هیچ موضوعی سرسری نمی نگرند و از مسائل و نمودهای بسیار ساده و عادی درس های بزرگ می گیرند .

به قول « پی یورسو » چه بسیارند اشخاصی که حس کرده اند بدنشان در آب سبک می شود یا سببی از درخت سقوط می کند باچهل چراغی در بالای سرشان به تموج درمی آید ، اما فقط « ارشمیدس » پیدا می شود که از آن اصول تعادل مایعات را نتیجه می گیرد و تنها « نیوتون » می تواند جذبه عمومی را کشف کند و « گالیله » است که قانون سقوط اجسام را از روی آن بدست می آورد . (۱)

دانشمند نامبرده (گالیله) در سال ۱۶۱ جزوه ای انتشار داد به نام « قاصد آسمان » به همان اندازه که موجب تحسین دانشمندان شد خشم و تکفیر کلیسا را برانگیخت . وی که در این جزوه ، سیارات را پیش از هفت می شمرد و به گردش زمین اشاره می کرد ، سخت مورد انتقاد قرار گرفت که چرا تعداد سیارات را هفت عدد نمی داند در حالیکه تعداد فلزات هفت است و در شمعدان « معبد » هفت شاخه دارد و در کله آدمی هفت سوراخ موجود است !